

اشاره

رویکرد هم بر توصیف مدرسه به عنوان یک ساختار اجتماعی قابل شناسایی و هم بر وابستگی‌های متقابل مدرسه با محیط خود تأکید دارد. وابستگی‌های متقابل به شکل تبادل‌هایی در می‌آیند که طی آن‌ها منابع کمیاب و ارزشمند تحت شرایط رقابتی مبادله می‌شوند. موفقیت مدرسه در بستر زمان در این رقابت برای کسب منابع، تصویری از اثربخشی کل را نشان می‌دهد. در یک کلام رویکرد منبع سیستم، اثربخشی مدرسه را توانایی اکتساب منابع کمیاب و ارزشمند از محیط تعریف می‌کند. در مقام نقد این رویکرد، شواهد تجربی نشان می‌دهد که دسترسی به منابع کمیاب و جذب آن‌ها تضمینی برای موفقیت پایدار سیستم‌های اجتماعی نیست. در عین حال، اعمال تربیت صرفاً با استفاده از منابع از پیش پردازش شده و بر روی این منابع نوعی نقض غرض و حتی فعالیتی ضد تربیتی محسوب می‌شود.

اثربخشی اگرچه مسئله‌ای پیچیده در ادبیات مدیریت مدرسه است، بدون تردید ابزاری رایج و مهم برای ارزشیابی عملکرد مدارس محسوب می‌شود. مفهوم اثربخشی مدرسه با رویکردهایی متفاوت و حتی متناقض قابل بررسی است. معمولاً هر رویکرد، اثربخشی را به گونه‌ای خاص تعریف می‌کند و با توجه به آن تعریف، شیوه منحصر به فردی را برای سنجش آن پیشنهاد می‌دهد. براساس یک سیر نسبتاً تاریخی، رویکردهای نسبتاً متفاوتی از مفهوم اثربخشی مدارس را می‌توان بازشناسی کرد که در ادامه بعضی از آن‌ها به اختصار معرفی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اثربخشی، مطلوبیت سیستمی، مدرسه

اثربخشی مدرسه معادل میزان دستیابی به اهداف

اثربخشی مدرسه معادل صحت فرایندهای درونی
این تعریف از اثربخشی در واکنش به دیدگاه ایستای رویکرد تحقق هدف و یا صرف کیفیت منابع به وجود آمده است. در این رویکرد، تأکید بر فرایندهای درونی است که توان مدرسه را برای مقابله با تغییرات محیطی افزایش می‌دهد. به‌طور کلی در این رویکرد اثربخشی مدرسه از طریق صحت و کارایی درونی فرایندها

بر مبنای این مفهوم، اثربخشی شامل شناسایی اهداف رسمی مدرسه و ارزشیابی میزان دستیابی مدرسه به این اهداف است. ریشه‌های رویکرد هدف منطقی یا دستیابی به هدف را می‌توان در دیدگاه مکانیکی سازمان یافت. براساس این دیدگاه، اثربخشی برحسب میزان دستیابی به هدف تعریف می‌شود؛ هر قدر مدرسه بیشتر به اهداف از قبل تعیین شده خود نزدیک شود، به اثربخشی بیشتری دست یافته است. این تعریف از اثربخشی از چند دیدگاه مورد انتقاد قرار دارد؛ از یک سو این همانی اثربخشی با تحقق هدف ماهیتاً مربوط به نسل برنامه‌ریزی خطی است که ناکارآمدی‌های آن در عمل در زمینه مسائل اجتماعی مشهود است. به همین دلیل بعضی از منتقدان، مدارس را پیچیده‌تر از آن می‌دانند که اساساً قابل احصا در چند هدف مشخص باشد. از سوی دیگر، صلاحیت‌های نسل فعلی در هدف‌گذاری برای نسل بعدی نیز به شدت مورد تردید قرار دارد.

اثربخشی مدرسه معادل کیفیت منابع سیستم

دکتر علی خلخالی
عضو هیئت مدیره انجمن مدیریت آموزشی ایران

تنوع مفهوم اثربخشی در مدرسه

این تلقی از اثربخشی مدرسه در واکنش به رویکرد منطقی-خطی دستیابی به هدف توسعه پیدا کرد. این رویکرد بر متغیرهای ورودی به جای متغیرهای خروجی تأکید می‌کند. براساس این رویکرد مدارس، اغلب همانند نهادهایی هستند که در جهت ماندگار بودن برای کسب منابع کمیاب و ارزشمند رقابت می‌کنند. در مورد مدارس، این رقابت در قلمرو جذب دانش‌آموزان برتر و معلمان مجرب‌تر و امکانات مجهزتر پیش می‌آید. در واقع، ماندگاری مدرسه معیار غایی اثربخشی آن تلقی می‌گردد. این

سنجیده می‌شود. یک مدرسه مؤثر، دارای یک فرایند درونی بهبود یافته است که تکرارپذیری این فرایندها را تضمین می‌کند. مهم‌ترین عنصر اثربخشی این است که مدرسه با منابعی که هم‌اکنون در اختیار دارد، چه می‌کند. گرایش به تدوین و بازنگری قوانین و مقررات اجرایی و در وضعیتی بهتر، استانداردسازی فرایندهای درون مدرسه‌ای در این قلمرو قرار می‌گیرد. لیکن همانند موارد قبلی صرفاً با بهبود مستمر فرایندها نمی‌توان از تحقق تعلیم و تربیت اصیل در درون مدرسه خاطر جمع بود.

اثربخشی مدرسه معادل بیشینه‌سازی رضایت

گروه‌های ذی‌نفع متفاوت

مدارس دارای گروه‌های ذی‌نفع متعددی مانند دانش‌آموزان، اولیا، معلمان، مدیران، کارکنان، همسایه‌ها، مسئولان منطقه‌ای، صاحب‌نظران تربیتی و شاید بیشتر از این‌ها هستند. در عین حال، انتظار می‌رود که هر یک از گروه‌های ذی‌نفع مدرسه، علائق متنوع و حتی متناقضی داشته باشند و معیارهای گوناگونی را

برای تصمیم‌گیری در خصوص اثربخشی یک مدرسه به کار ببرند. در واقع، تنوع در گروه‌های ذی‌نفع معمولاً مدارس را با معیارهای متعدد و اهداف چندگانه ارزیابی مواجه می‌سازد. مفروضه اصلی این رویکرد این است که هر قدر شمار بیشتری از گروه‌های ذی‌نفع مدرسه رضایت حاصل کنند، مدرسه اثربخش‌تر است. از لحاظ نظری، شاخص محوری اثربخشی مدرسه، بیشینه‌سازی رضایتمندی گروه‌های ذی‌نفع مختلف است. این رویکرد از سطح پیچیدگی قابل توجهی برای تبیین اثربخشی برخوردار است، لیکن سطح تنوع علائق گروه‌های ذی‌نفع مدرسه می‌تواند در دامنه‌ای از خواسته‌های تربیتی تا توقعات ضدتربیتی گسترش داشته باشد.

اثربخشی مدرسه معادل ارزش‌های رقابتی

این رویکردی اقتصادی نسبت به اثربخشی مدرسه است. براساس این دیدگاه، میزان اثربخشی هر مدرسه تابعی از میزان ارزش افزوده آن مدرسه است. لذا مبتنی بر این رویکرد اساساً بهترین معیار ارزشیابی عملکرد مدرسه وجود ندارد بلکه عناصر مشترکی در فهرست جامعی از معیارهای اثربخشی مدرسه وجود دارند که از ترکیب این عناصر، مجموعه‌هایی اساسی از ارزش‌های رقابتی به‌وجود می‌آید. سپس، هر کدام از این مجموعه‌ها در قالب یک مدل اثربخشی واحد تعریف می‌شود.

اثربخشی مدرسه معادل مطلوبیت سیستمی

در این مفهوم، اثربخشی ماهیتی چندبعدی و چند ترکیبی می‌یابد. در تعریف اثربخشی بر مبنای رویکرد سیستمی، باید هم‌زمان میان مؤلفه‌های ورودی، فرایندی و خروجی تمایز و ترکیب قائل شد. تمایز مؤلفه‌ها ابزار شناخت سیستم و ترکیب مؤلفه‌ها تصویر متنوعی از اثربخشی‌های مورد انتظار را بازآرایی می‌کند.

در واقع هر سیستمی در چرخه فعالیت‌های خود، در تلاش است ورودی‌های با ارزش را جذب کند، آن‌ها را به نحو احسن در فرایند انجام کار، دگرگون سازد و سرانجام بازده یا خروجی مطلوبی تولید کند. بدین ترتیب، اثربخشی سیستم مدرسه را می‌توان در هر نقطه از این مدار مورد ارزیابی قرار داد. با ترکیب حالت‌های متنوعی از عناصر سیستم می‌توان سطوح متفاوتی از اثربخشی را تحقق بخشید.

برای تفکر بیشتر

اثربخشی سیستم‌های آموزشی، به‌ویژه مدارس، همچنان به‌عنوان یک موضوع مدیریتی و تربیتی به تفکر و پژوهش‌های تجربی نیاز دارد. اهمیت این موضوع زمانی بهتر درک می‌شود که نمی‌توان بدون درک صحیح و مشترکی از مفهوم اثربخشی، تصمیم‌های مؤثری برای بهبود و اداره سیستم‌های آموزشی اتخاذ نمود. مدیران مدارس زمانی می‌توانند از صحت اقدامات روزمره خود اطمینان حاصل کنند که پیش از آن درباره مفهوم اثربخشی مدرسه خود به توافق رسیده باشند.

